■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام‌جم

یکشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۰ | ۲۸ شعبان ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۹۱۰ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Sunday - April 11, 2021

حدیث روز: بحارالانوار

امام سجاد(ع): بهترین شروع کارها صداقت و راستگویی و بهترین پایان آنها وفاست

واحه: سعدی

مده‌ای حکیم پندم که به کار در نبندم
که ز خویشتن گزیر است و ز دوست ناگزیرم

امروز در تاریخ:

- تیم فوتبال ایران(تاج) فاتح جام باشگاه‌های آسیا شد(۱۳۴۹ش)
- انفجار سفارت آمریکا در بیروت(۱۳۶۱ش)
- درگشت عباس کاتوزیان، نقاش(۱۳۷۸ش)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳/۰۵ | غروب آفتاب: ۱۹/۳۴
اذان مغرب: ۱۹/۵۳ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۲۱
اذان صبح (فردا): ۵/۰۸ | طلوع خورشید(فردا): ۰۶/۳۶

وضعیت آب و هوای امروز

تهران	اراک	اردبیل	بیرجند	بجنورد	خرم‌آباد	ساری	شهرکرد
۲۵ / ۱۶	۲۳ / ۷	۲۰ / ۶	۲۹ / ۱۵	۲۷ / ۱۳	۲۲ / ۸	۲۰ / ۱۲	۱۸ / ۳

حکمت ۴۶۰: نهج‌البلاغه

بردباری و تأمل، توأمان هستند که هر دو از همت بلند می‌زایند.

تلنگر

برای زهرا که به زندگی می‌خندید

علیرضا رأفتی
روزنامه‌نگار

دکترها دروغ می‌گویند. دروغ می‌گویند که سرطان جزو بیماری‌های واگیر نیست. همه چیز را که نمی‌شود از روی مقالات وکتاب‌های علمی فهمید. برای فهمیدن بعضی چیزها کافی است گوشه‌ای بنشینی و فقط نگاه کنی. نگاه کنی که چطور توده سرطانی از گوشه‌ای از بدن یکی از اعضای خانواده متاستاز می‌دهد به چشم و دل اعضای دیگر و رفقایی که جان‌شان با جان کسی که درگیر این مرض شده یکی است. توده از بدن بیمار متاستاز می‌دهد به کل خانه و آن‌قدر قد می‌کشد به همه جا، که وقتی پا در آن خانه می‌گذاری مثل پیچک می‌پیچد به ساق پایت و بالا می‌آید و سنگ می‌شود سر راه گلویت. با زهرا جلوی پنجره فولاد حرم امام رضا(علیه‌السلام) آشنا شدم. دختری محجوب و خجالتی که شیطنت، کبوتری خسته بود در چشم‌هایش که بیماری رمق پروازش را گرفته بود. به گواهی پزشک‌هایی که به همه چیز از روی اسناد و مدارک پزشکی استناد می‌کنند، درد با او کاری کرده بود که طبیعتا نباید می‌خندید. اما لبخند آمیخته با حجب و شیطنتش روی صندلی چرخ‌دار بیشترین قابی است که از او در حافظه‌ام مانده. قرار بود مستند «ماسک سپید» را از زندگی زهرا و چند دوست دیگرش که درگیر سرطان بودند بسازم. آن روزها تازه زمزمه کرونا داشت در کشور می‌پیچید اما هنوز خبری نبود و هنوز مردم اشک‌هایشان را نفس به نفس به پنجره فولاد گره می‌زدند. زهرا که از مشهد برگشت خوزستان، کوله بستم به اهواز و چند روزی با شکیب و زهرا و دیگر دوستان‌شان زندگی کردم و تازه معنای امید را فهمیدم. شکیب گیتارش را که دست می‌گرفت و از کاظم الساهر که می‌گفت، یا زهرا وقتی از رویای پزشک شدنش حرف می‌زد، طوری امید پای آرزوهایشان را مهر زده بود که همان موقع روپوش پزشکی را تن زهرا و ردای رهبری کنسرت را روی دوش شکیب می‌دیدم. بعدها شنیدم که بیماری یک پای زهرا را از او گرفته اما در عکس و فیلم‌ها هنوز آن لبخند پر از امید روی صورتش می‌درخشید. حالا دو روز است که زهرا هم مثل شکیب، راهی دنیای دیگری شده. دنیایی که لیاقت آن همه امید و لبخند و نجابتش را داشته باشد.

درباره زنده‌یاد حسین سرشار، بازیگر و خواننده

مردی که راه خانه‌اش را گم کرد

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

فیلم «پدر» با بازی درخشان آنتونی هاپکینز را خیلی‌ها دیده‌اند. دنیای پیچیده و تلخ مردی که دچار زوال عقل شده است. بیشتر ما، آدم‌های دچار آلزایمر را از نزدیک دیده‌ایم یا با آنها زندگی کرده‌ایم و گروهی هم توصیف زندگی سخت‌شان را شنیده‌اند. فیلم پدر اما به شکل شگفت‌انگیزی، زاویه نگاه این بیماران را به دنیای پیرامون و آدم‌ها نشان می‌دهد. زاویه نگاهی که ما از آن بی‌خبریم و نمی‌دانیم در مغز و حافظه بیماران مبتلا به آلزایمر زمان گذشته، حال و آینده چگونه در هم ادغام می‌شود و فرد گیج و منگ نمی‌داند چگونه این زمان‌ها را از هم تفکیک کند و کارهای روزمره خود را انجام دهد. این منگی و سردرگمی همه زندگی بیماران آلزایمری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و برای همین است که آنها در اولین روزهای درگیر شدن با آلزایمر راه خانه خود را گم می‌کنند.

این روزها همه آنها که فیلم پدر را دیده‌اند، درگیر بازی درخشان آنتونی هاپکینز در نقش مردی هستند که زمان‌ها در مغزش ادغام شده‌اند و او سردرگم است و همه آنها که این فیلم را دیده‌اند در گوشه ذهنشان به یاد می‌آورند که زندگی بیماران مبتلا به آلزایمر چقدر سخت است، آنها در زمان گم می‌شوند و نه خودشان را پیدا می‌کنند و نه دیگران را.

اینها را نوشتم و از فیلم پدر مابه‌ازا آوردم تا برسم به زنده‌یاد حسین سرشار؛ بازیگر و خواننده‌ای که دچار آلزایمر شد و راه خانه‌اش را گم کرد و دچار مرگ تلخی شد، خیلی تلخ. مردی که همه عمر با صدایش که در جهان کم‌نظیر بود و در ایران بی‌نظیر گوش مردمان را با صداها ، آواها و آوازهای خوب آشنا کرده بود. مرگ او آن‌قدر تلخ بود که دوستان و نزدیکانش تمایلی به یادآوری آن ندارند. هیچ‌کس فکر نمی‌کرد حسین سرشار با آن‌همه مهربانی، خلاقیت و با آن مغز که هرروز به‌روز می‌شد و آوازها و ترانه‌های زیادی در حافظه‌اش بود، روزی از خانه بیرون برود و راهش را گم کند، تصادف کند و برای همیشه از این دنیا برود. بیشتر مردم حسین سرشار را با فیلم «اجاره‌نشین‌ها» به یاد می‌آورند. در این فیلم بود که سرشار توانایی صدا و تخصصش را که اپرا بود در کنار توانایی بازیگری‌اش به نمایش گذاشت و برای همیشه در ذهن مردم ثبت شد.

اجاره‌نشین‌ها به کارگردانی داریوش مهرجویی به گفته بسیاری از منتقدان هنوز هم بهترین فیلم کمدی بعد از پیروزی انقلاب است. فیلمی که هارون یشایایی، تهیه‌کننده پیشکسوت سینما آن را تهیه‌کرده است.

شریف بود، خیلی شریف

یشایایی درباره مرحوم حسین سرشار می‌گوید: دوستی آقای مهرجویی با مرحوم سرشار خیلی دیرینه بود، آنها یکدیگر را از زمان تحصیل و کار در ایتالیا می‌شناختند. برای فیلم اجاره‌نشین‌ها آقای مهرجویی بهترین بازیگران سینمای ایران را انتخاب کرد، بازیگران توانمندی که از همه خلاقیت و تجربه خود برای بازی در این فیلم استفاده کردند. آقای سرشار هم یکی از این بازیگران بود. خلاق، توانمند، خوش‌اخلاق و بسیار حرفه‌ای. در فیلم «ای‌ایران» به کارگردانی آقای تقوایی هم زنده‌یاد سرشار بازی کرد که من تهیه‌کننده‌اش بودم. به جز صبوری، نظم و خوش‌اخلاقی از او چیز دیگری به یاد ندارم. یادم می‌آید آن زمان دخترش کم سن و سال بود. او روزی چند بار به خانه تلفن و با دخترش صحبت می‌کرد. آن زمان گوشی تلفن همراه نبود اما هیچ چیزی نمی‌توانست مانع ارتباط آنها شود. عجیب به دخترش دلبسته بود و او را دوست داشت. من اصلا دوست ندارم، نوع مرگ آقای سرشار را به یاد بیاورم و آن را دوباره مرور کنم. او شریف بود، بسیار شریف و مردم‌دار، نمی‌دانم چه شد که دچار چنین مرگ تلخی شد. یک بار از خانه بیرون رفت و گم‌شد و در آبادان پیدایش کردند و بار دیگر که از خانه بیرون رفت، تصادف کرد و درگذشت.

بازیگران باعث موفقیت اجاره‌نشین‌ها شدند

هارون یشایایی درباره موفقیت اجاره‌نشین‌ها می‌گوید: به نظرم توانمندی آقای مهرجویی اولین دلیل موفقیت این فیلم بود. بازیگرانی به این فیلم دعوت شدند که همه عالی بودند. به نسبت جمعیت ایران در سالی که فیلم اکران شد و قیمت بلیت سینماها هنوز هم اجاره‌نشین‌ها پربیننده‌ترین و پرفروش‌ترین فیلم سینمای بعد از انقلاب است. ما اول کار تصمیم نداشتیم فیلم پرفروش بسازیم بلکه تصمیم ما این بود فیلمی خوب تولید کنیم تا مردم را بخنداند و آنها راضی از سینما بیرون بیایند. استقبالی که از فیلم شد همه ما را شگفت‌زده کرد. بارها فیلم را با مردم دیدیم و شاهد خنده‌های از ته‌دل مردم بودیم. سکانسی که عباس‌آقا (زنده‌یاد انتظامی) با اکبر عبدی دعوایش می‌شود و عباس‌آقا کلنگ برمی‌دارد و آقای عبدی استانبولی... سالن سینما از خنده منفجر شد. مشابه این سکانس‌ها در فیلم کم نیست. سکانسی که عباس‌آقا روی پشت‌بام می‌رود و می‌بیند زنده‌یاد سرشار آنجا را تبدیل به باغچه کرده و واکنشش بی‌نظیر بود.

این را هم اضافه کنم که در زمان اکران اول این فیلم برخی برداشت‌های سیاسی از اجاره‌نشین‌ها کردند و آن آپارتمان را تمثیلی برای ایران دانستند و... که خیلی زود این موج فروکش کرد، چون همه متوجه شدند نه آقای مهرجویی و نه من و نه بازیگران فیلم دیدگاه‌های تند سیاسی نداشتیم و فقط تصمیم ما این بود که فیلمی شاد و مفرح بسازیم. به نظرم این جریان بعد از موفقیت فیلم در گیشه شکل گرفت تا فیلم زمین بخورد اما این اتفاق نیفتاد و اجاره‌نشین‌ها هنوز هم یکی از درخشان‌ترین و بهترین فیلم‌های سینمای ایران است.

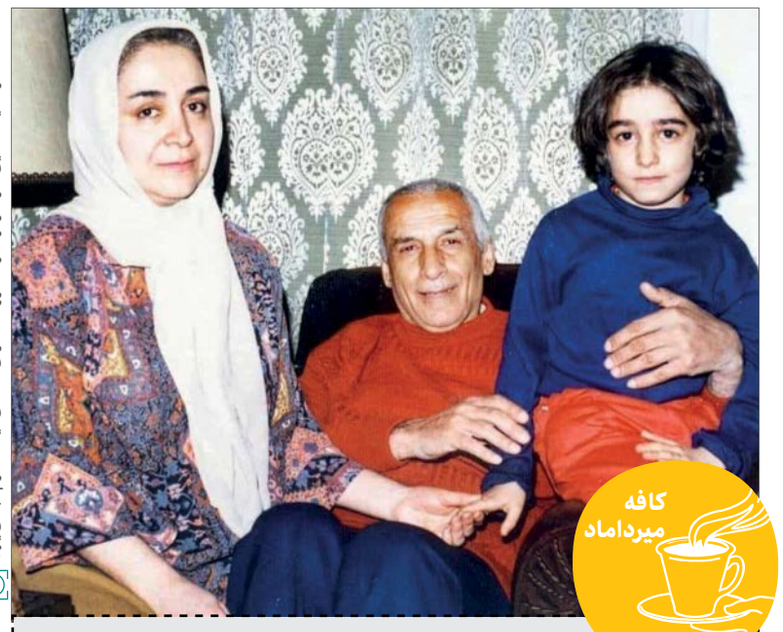

زنده‌یاد حسین سرشار در کنار دختر و همسرش / عکس: اینستاگرام عباس یاری

کافه میرداماد

خاموشی زودهنگام صدای خاص

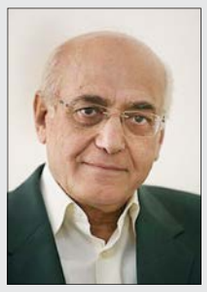

دکتر محمد سریر، آهنگساز و موسیقیدان درباره مرحوم حسین سرشار می‌گوید: یکی از استعدادهای درخشان موسیقی ایران بود. به‌عنوان سولیست در ایتالیا تحصیل کرده بود. در اپراهای زیادی در این کشور آواز خوانده و به چهره‌ای سرشناس تبدیل شده بود. بعد از پایان تحصیل به ایران برگشت. آن زمان تالار رودکی را برای اجرای اپرا در نظر گرفته بودند و حسین سرشار در این اپراها اجراهای درخشانی داشت. با پیروزی انقلاب اما اپراها تعطیل شدند و او دیگر نتوانست آواز بخواند. برای حضور در عرصه هنر در چند فیلم بازی کرد اما واقعیت این است برای او که تخصصش اپرا و صدایش عالی بود، این مقدار کم حضور آن‌هم در رشته‌ای که تخصصش نبود، ناگوار بود. از آن آدم‌هایی هم نبود که از ایران برود و در کشورهای دیگر کارش را ادامه بدهد. در ایران ماند و به‌نوعی بازنشسته شد اما این خانه‌نشینی برنامه‌ای نبود که او برای خودش ترسیم کرده باشد. به‌مرور دچار زوال عقل شد... زنده‌یاد سرشار مرد نازنین و بامحبت و توانمندی بود که دچار مرگ تلخی شد و همه را با رفتن خود متأسف کرد.

مقطع حساس کنونی

فهرست اطبای شاغل

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

نادرشاه افشار پس از آن‌که از فتح هندوستان به وطن مراجعت کرد و بر تختگاه جلوس نمود، تصمیم گرفت به اوضاع داخلی نیز مقداری سر و سامان دهد. پس وزیران و عاملان را فراخواند و گفت: بررسی میدانی کنید و ببینید تا از هر صنف و شغل چند نفر در مملکت به کار اشتغال دارند تا آنان را ساماندهی کنیم. پشنگ‌قلی‌خان که از ظریفان روزگار بود رو به نادرشاه کرد و گفت: براساس مطالعه میدانی من بیشترین تعداد شاغلان را اطبا تشکیل می‌دهند. وزیر دست راست گفت: این حرف درست نیست، چرا که در پایتخت به این بزرگی تنها ۱۲ نفر طبیب به کار اشتغال دارند. پشنگ‌قلی‌خان گفت: خیر این‌طور نیست. وزیر دست راست گفت: از کجا می‌گویی؟ در این لحظه پشنگ‌قلی‌خان ناگهان دراز به دراز روی زمین افتاد. نادرشاه دستور داد آب‌قند بیاورند. پشنگ‌قلی‌خان وقتی آب‌قند را خورد قدری سرحال شد و سر جای خود نشست. نادرشاه گفت: چطور شد؟ پشنگ‌قلی‌خان گفت: نفهمیدم یکهو چی شد. نادرشاه گفت: سردی‌ات شده. یک لیوان شربت عسل و زعفران بخور. پشنگ‌قلی‌خان گفت، چشم و از جیبش کاغذ و قلم بیرون آورد و دستور شاه را یادداشت کرد. وزیر دست راست گفت: دچار کبد چرب شده‌ای. ترکیب سبوس جو و زرده تخم‌مرغ برایت خوب است. پشنگ‌قلی‌خان دستور وی را نیز یادداشت کرد. وزیر سمت چپ گفت: جوشانده بابونه و اسطوخودوس نیز بر هر درد بی‌درمان دواست و حالت را بهتر می‌کند. پشنگ‌قلی‌خان دستور وی را نیز یادداشت کرد. پس از آنها سایر وزیران و عاملان و درباریان و بستگان و آشنایان نیز بر بالای سر پشنگ‌قلی‌خان حاضر شدند و توصیه‌های درمانی خود از قبیل غرغره آب‌نمک و جوشانده سنبل‌الطیب و سایر موارد را به پشنگ‌قلی‌خان ارائه کردند و او نیز همه دستورات را نوشت. سپس از جا برخاست و نزد نادرشاه رفت و گفت: فهرست اطبای شاغل را خدمت‌تان آورده‌ام که تا اینجا ۶۸ نفر است. نادرشاه به فهرست نگاه کرد و در صدر آن نام خودش را دید و چند دقیقه خاموش شد و سپس چند دقیقه فحش‌های زشت داد و دوباره خاموش شد.

مرور و عبور

جام جم: ۲۰ سال قبل

حضور پررنگ فیلم‌های ایرانی در جشنواره کن

جشنواره کن که اردیبهشت امسال در فرانسه برگزار می‌شود پذیرای چند فیلم ایرانی است.
تاکنون حضور فیلم «خورشید پشت ابر» ساخته محسن مخملباف در بخش مسابقه و فیلم «a.b.c» به کارگردانی عباس کیارستمی در بخش غیررقابتی، «زیر نور ماه» ساخته رضا میرکریمی در بخش دو هفته کارگردانان پذیرفته شده است. فیلم‌های کوتاه «پیله‌داران» به کارگردانی سامان استراکی و «گیلاس‌هایی که کمپوت شد» ساخته محمد شیروانی در بخش مسابقه فیلم‌های کوتاه پذیرفته شده‌اند. (صفحه ۳)

تیم ملی در انتظار رونالدو

امرسون لیانو، سرمربی تیم ملی فوتبال برزیل اعلام کرد: اگر رونالدو به ۷۰ درصد از آمادگی لازم دست یابد او را به تیم ملی دعوت می‌کنم. لیانو که برای آگاهی از میزان آمادگی و وضعیت سلامتی رونالدو به میلان سفر کرده، گفت: ما با رونالدو مشکلی نداریم بلکه در انتظار آن هستیم که او هر چه زودتر به آمادگی لازم برای حضور در تیم ملی برسد. شکی نیست که بازگشت رونالدو پس از حدود دو سال دوری از مسابقات با مشکل همراه خواهد بود اما همه ما برای او آرزوی موفقیت می‌کنیم و امیدواریم به‌زودی به تیم ملی برگردد. (صفحه ۱۵)

کمبود روانپزشک جدی است

دکتر داوود شاه‌محمدی، دبیر کمیته کشوری بهداشت روان گفت: در کشور ما به ازای هر یک‌میلیون نفر ۱۱ روانپزشک وجود دارد که در سطح جهان ۱۲۰ نفر به ازای هر یک‌میلیون نفر است. وی افزود: ۱۵ تا ۲۲ درصد از مردم جامعه دچار بیماری‌های روانی هستند اما در حال حاضر ۷۰۰ روانپزشک در کل کشور فعال هستند و تنها ۱۵۵ هزار بیمار روانی تحت پوشش قرار دارند و بقیه در خیابان‌ها آواره‌اند. با اجرای طرح بیماران مزمن سرگردان آنها جمع‌آوری خواهند شد. (صفحه ۱۳)

گفت‌وگوی بوق اشغال با سهراب سپهری با استفاده از اشعارش

نشانی شما؟ پشت هیچستان.
پشت هیچستان کجاست؟ پشت هیچستان جایی است. پشت هیچستان رگ‌های هوا پر از قاصدهایی است که خبر می‌آرند از گل واشده دورترین بوته خاک.
آیا شاعری احساساتی‌تر از خودتان می‌شناسید؟ شاعری دیدم هنگام خطاب به گل سوسن می‌گفت: شما.
توصیف یک روز زمستانی از زبان شما؟ پشت کاجستان برف، برف یک دسته کلاغ ... قطره‌ها در جریان، برف بر دوش سکوت.
بعد از باران؟ ابرها رفتند/ یک هوای صاف یک گنجشک یک پرواز.
اگر یک‌بار دیگر به دنیا بیایید؟ دوره‌گردی خواهم شد/ کوچه‌ها را خواهم گشت/ جار خواهم زد: آی شبنم شبنم شبنم.
پیش‌بینی وضع هوا؟ ابری نیست/ بادی نیست/ می‌نشینم لب حوض.
وصیت شما؟ به سراغ من اگر می‌آیید/ نرم و آهسته بیایید مبادا ترک بردارد/ چینی نازک تنهایی من.
پندی دوستانه؟ ساده باشیم/ ساده باشیم چه در باجه یک بانک چه در زیر درخت.
پیام شما به انسان‌های آینده؟ دچار باید بود.
و کلام آخر؟ تا شقایق هست زندگی باید کرد. (صفحه ۵)

JAM-E-JAM Vol.1,No.268 ,WED,APR.11.2001

جام جم

با اشاره به پدیده فرار مغزها و مسوولیت نهادهای مسوول عنوان شد
انتقاد شدید اللحن کروبی از مهاجرت نیروهای متخصص به خارج کشور

در تازه‌ترین کاوشها در مصر
۱۱ جسد مومیایی کشف شد

رئیس کل کمرک در گفتگو با «جام جم»:
تناقص دستگاه‌های اقتصادی را باید قاطعانه برطرف کرد

مصاحبه با سهراب سپهری شاعر «صدای پای آب»

مدیرعامل شرکت فرودگاه‌های کشور با انتقاد از عدم تخصیص بودجه لازم:
بهره‌برداری از فرودگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) نباید به تاخیر افتد

تشریح اصلاحات قوه قضائیه ایران

مذاکرات رسمی نخست‌وزیر هند و رئیس جمهوری ایران آغاز شد

اجرای طرح نخلستان مدینه

در دیدار روسای کمرک ایران و بلژیک
ایران خواستار تسهیل صدور فرش

عربستان، رژیم صهیونیستی را محکوم کرد

شورای وزیران عربستان سعودی تلاش رژیم صهیونیستی برای نابودی کامل روند صلح خاورمیانه و شدت گرفتن حملات این رژیم علیه مردم فلسطین را محکوم کرد.
ایرنا نوشت شورای وزیران عربستان در جلسه هفتگی خود خواستار دخالت جامعه بین‌الملل به منظور رفع ستم و گرفتاری از مردم فلسطین و جلوگیری از حملات اسرائیل شد. (صفحه ۱۳)